مرزاده
۴ علیزاده

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: نخبه
مؤلف متن: محمد ابراهیم اصفهانی محشی:
شارح: مترجم:
تاریخ تحریر: ۱۲۴۶ ق نوع خط: نستعلیق تعداد سطر: ۱۴
نام کاتب:
موضوع: فقه زبان: فارسی عدد اوراق: ۵۲
طول: ۲۱ عرض: ۱۶ شماره عمومی: ۳۱۷۸۴
وقفی / ~~خریداری~~: مقام معظم رهبری تاریخ وقف: بهمن ۸۳
ملاحظات:

رأیت العقل عقلین فمطبوع و مسموع
فلا ینفع مسموع اذا لم یک مطبوع
کما لا ینفع الشمس وضوء العین ممنوع

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ثنای بی‌حد و حصا مخصوص بارگاه کبریائیست که جواهر تسبیح و تقدیس کنز الفقرا
آمال و امانیرا جامع و وافی و داروی مرحمتش درد از المسه او عدم از چهره
ممکنات کافی و تریاق معرفتش رافع سموم مهلکه عصیان و خیر انبیا نامتناهی
و تحیات غیر متناهیه نثار بارگاه رسالت اساس بهترین خلایق و عترت طاهره
آنجناب باد و بعد چنین گوید احقر عباد الله ابن محمد حسن الحر اسانی محمد ابراهیم
الاصفهانی عاملهما الله بلطفه العمیم که این مختصریست موسوم بنخبه در اهم عبادات
و مهمات از فروع دینیه و آن مشتمل است بر چند مقصد مقصد اول در طهارت
و در آن چند مبحث است مبحث اول در طهارت از حدث که عبارت از وضو
و غسل و تیمم است و در آن سه باب است باب اول در وضو و در آن چند
فصل است فصل اول در اموریکه واجبست وضو از برای آن آن نماز واجب

و طواف

136

و طواف واجب است و شرط است در صحت هر یک بلکه در صحت نماز
مستحب نیز و مشهور وجوب وضو است نیز از برای مس نمودن کتابت
قرآن اگر واجب شود مس نمودن بنذر و غیر آن لیکن آنچه ثابت شده است
بدلیل حرمت مس است بدون وضو نه وجوب وضو و گاهی واجب میشود
بنذر و عهد و قسم فصل دویم در اموریکه باعث وضو و مبطل آن میشود
و آن بیرون آمدن بول و غایط و بادیست که بیرون بیاید از معده
چه باد و چه بیرون آید از موضع متعارف یا از موضع غیر متعارف اگر
مخرج بخلقت الهی باشد یا آنکه موضعی که بخلقت الهی است مسدود و مشدود و منفذ
دیگر بهم رسد و همچنین است خواب هرگاه غالب شود بر چشم و گوش و دیوانگی
و بیهوشی و مستی و رطوبت مشتبه که بیرون بیاید در حال استبرا نمودن از بول
یعنی از آن جهة فاصله در میان بول و رطوبت بسیار باشد یا نه و همچنین است
استحاضه قلیله بلکه استحاضه کثیره و متوسطه هر چه موجب غسل باشند غیر جنابت
در حیض و نفاس و مس میت نیز بنابر احوط در وجوب مقدم داشتن
وضو بر غسلهای مذکوره غیر جنابت استحباب آن خلاف است اظهر است

بودن و قصد مفارقت از آن نمودن هر چند بخاطر او نرسیده باشد بیرون رفتن هرگز
از آن یا ماندن در آن آمد بحر که ماندن در بلدی بدون قصد استمرار یا بجهة
تحصیل علم یا تجارت سالها طول بکشد باعث تمام نمودن نماز در آن نمیشود هرچند
هرگاه وارد شود در آن بدون قصد و مانند آن از اسباب تمام نمودن هر چند عیال اقامه ۵
او در آن مدة همراه او باشد پنجم آنکه نبوده باشد از کسانیکه خانه او همراه او باشد
مثل آنکه در جمیع اوقات در بیابانها بسر برد از قبیل اعراب بری و پاره از ایلات
آنکه سفر عمل و شغل او باشد چه نامیده شود باسم خاصی مثل مکاری و ساربان
و همه کش و قاصد و کشتی بان و تاجر و صاحب صنعتی که در گردش باشد در تجارت
و صنعت خود و امثال آنها و اگر سفر کنند صاحبان عمل مذکوره در غیر عمل خود مثل آنکه
مکاری بزیارت برود یا حج قصر کند و همچنین قصر کند هرگاه حرکت او در سفر شدید
شود بجدیکه از عادت بیرون رود احوط تمام نمودن نماز است نیز بعد از قصر قضا
میشود بیان تمام کردن در سفر سیم هرگاه قرار دهد سفر را عمل خود و در سفر دویم
احوط جمع است میان قصر و اتمام و منقطع میشود حکم مذکور بقصد ماندن ده روز
چه در وطن باشد چه در غیر وطن بلکه بده روز هر چند بدون نیت باشد هرگاه در وطن
باشد و عود بتمام میکند در سفر سیم چنانچه در سفر اول باید قصر کند و در سفر دوم
تمام و احوط جمع است میان قصر و اتمام و در حکم قصد ده روز است بعد از تردد داشتن نماید
در حرکت در مدة سی روز و اگر کسی را شغلی رو دهد که سر سفر پی در پی کند بدون
قصد آنکه سفر را عمل خود قرار دهد باعث تمام کردن در سفر نمیشود و هرگاه ده روز در
بی قصد در موضعی ماند و نماز را تمام کرد نظر بدانستن حکم مسئله باعث برگشتن وجوب
قصر نمیشود ششم آنکه سفر او حرام نباشد مثل فرار نمودن از جهاد و گریختن غلام و نشز
غایت آن حرام باشد مثل سفر از برای ضرر مؤمنین و مسلمین و دزدیدن مال ایشان و
و اعانت ظالم در ظلم او و مضر نیست معاصی که در سفر واقع میشود بر سبیل اتفاق مثل غیبت
کردن که باعث تمام کردن نماز نمیشود و همچنین است سفری که منافی باو لیکن از واجبات باشد
مثل تحصیل علم واجبی که در سفر میسر نشود که باعث تمام نمودن نیز نمیشود و در حکم
شرط مذکور است صید کردن لهو بیاکه بسفر برود و از برای این مطلب باید نماز را
تمام کند و اگر بجهت قوت عیال خود باشد قصر کند بلکه هرگاه بجهة تجارت باشد نیز
قصر خالی از رجحان نیست و احوط جمع است میان قصر و اتمام هفتم آنکه سفر ...
از دیوار شهر یا قریه تا آنکه پیدا نشود دیوار یا نشنود اذان آن شهر یا قریه را معتبر در ...
... و چشم نظر کند و گوش شنونده و بلده متوسط ... معتبر

در هوا

در هوا خالی بودن از شدت باد و غوغاه و هرگاه بیننده یا دیوار یا شنونده [illegible]
تقدیر و فرض کند اذان که بر فرض بودن حال چه نحو بود و چه نحو نبود و فرق نیست
در این شرط در میان رفتن و برگشتن هرچند احوط در حال برگشتن جمع میان قصر
و اتمام است یا تاخیر کند نماز را تا وارد شود بمنزل و فرق نیست در شرط مذکور
میان بلد توطن و بلد اقامت هرگاه سفر سفر معصیت باشد یا عقب لهو رفته باشد و بعد
قصد حرکت نموده باشد معتبر موضع برگشتن است و واجب است قصر بعد از تحقیق
شرایط گذشته و معتبر است بر عالم بآن شرایط مگر در چهار موضع مکه و مدینه و جامع
اول کوفه و حایر سید الشهدا که در آنها مخیر است میان قصر و اتمام و دویم افضل و احوط است
و اگر تمام نماید نماز را در محل قصر با علم بآنکه واجب است قصر فاسد است نماز و واجب است
اعاده نماید اگر وقت باقیست و قضا اگر وقت گذشته و اگر جاهل بود بواجب بودن
تمام کرده و قضا ندارد و چه تقصیر کرده باشد در فهمیدن مسئله و چه نکرده باشد
و این در وقتیست که جاهل باصل حکم قصر و اتمام باشد و هرگاه جاهل باصل حکم نباشد و جاهل
در ... آن باشد یا بسیاری از احکام قصر یا جاهل باشد بواجب بودن تمام کردن و قصر کند
در غیر محل ... باید بکند نماز آن باطل است و اگر فراموش کرده باشد واجب بودن قصر را و
تمام کند اعاده کند در وقت اگر بخاطرش بیاید و قضا ندارد اگر وقت بیرون رفته باشد
و اگر قصد ماندن ده روز در موضعی نماید باید تمام کند چه در صحرا و چه در معموره چه
در بلد و چه در ده و لیکن اگر برگشت از قصد و از ماندن قصر کند ما دامیکه
یک نماز را تمام نکرده باشد و اگر یک نماز را تمام کرده باشد تمام کند تا در آنجا هست
برفتن و شرط نیست در اقامه بیرون نرفتن از حد ترخص و منافی نیست این معنی اقامه را
بالنسبه بملحقات و لایت از باغات و مزارع و امثال اینها بلکه ظاهر آنست که هرگاه بیرون
رود از محل اقامه بکمتر از مسافت شرعی با اقامه نمیرساند و عادتا در یک از رفتن
نشستن و برگشتن و محل اقامه تمام کند اگر اراده اقامه ده روز در محل اقامه بعد از برگشتن
داشته باشد بلکه اگر غافل باشد از حال سفر از محل اقامه یا اگر متردد باشد در
بعد بودن و ماندن بلکه هر چند اراده ماندن ده روز نداشته باشد لیکن در غیر

(۸۷)

صورت اراده آنکه مرده روز داشتن بعد از برگشتن احوط علاوه نمودن قصر است
بعد از اتمام چنانچه احوط نیز آنست که پیش از اتمام شدن آنکه مراتب عملا
نکنند واگر کسی در نظر داشته باشد که در بین هات
و مزارع چند مدت مدیدی باند مثل چهار ماه پنج ماه
وامثال آن و در هیچ یک اراده
ماندن ده روز نداشته باشد
و در مابین مجموع آنها
بقدر هشت فرسخ
نباشد باید
تمام کنند و
احوط علاوه
نمودن
قصر است
بیان ..

[illegible]

[illegible]